

بررسی نقش عدالت اجتماعی در حکومت مهدوی (عج)

□ محمدهادی باقری

چکیده

حاکمیت عدالت گستر مهدوی مهم ترین آرمانی شان عدالت محوری در جامعه اسلامی است در کتاب الهی در جاهای مختلف وهم چنین روایات جامعه به قسط و عدالت فراخوانده شده است، انبیاء و اولیاء الهی آمده است تا دست بشریت را بگیرد به قسط، عدالت و تحقق مدینه فاضله سوق دهد.

عدالت مهدوی به یک گستره عدالت آرمانی وجهان شمول به قانون فراگیر وهمه شمول از تمام جهت ها، از عدالت فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در لایه های ظاهر و پنهان جامعه حاکم می شود، و مردم که انواع حکومت ها را دیده که با ندای عدالت مردما به طرف خود کرده، و عدالت واقعی را مردم در حکومت آنها ندیده، این عدالت حکومت مهدوی فراگیر وجهان شمول که در لایه های ظاهر و پنهان جامعه حاکم شده است و عدالت به صورت یک فرهنگ و تحقق مدینه فاضله آرمانی به وجود آمده است، براه همه اقشار جامعه به عنوان یک عدالت آرمانی و نجات بخش مورد قبول همگانی قرار گرفته است، از این پذیرش عمومی هسته اصلی عدالت خواهی حکومت مهدوی در جهان هستی قابل تحقق است.

مقام معظم رهبری در محافل فکری و حوزه های اندیشه فرموده است: «معیار اساسی و سنگ بنای مشروعیت حاکمان را در نظام اسلامی «عدالت خواهی» و «مبارزه با ظلم و بی عدالتی» معرفی نموده، می فرمایند: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است».

^۱ . فارغ التحصیل سطح چهارمجمع آموزش عالی فقه. Mohammad.hady.baghery@gmail.com

هدف کلی در این مقاله تبیین جایگاه عدالت در حکومت مهدوی در قرآن و احادیث ناب اسلامی است.

در روایات بیان شده است، عدالت در حکومت مهدوی، یک اصل محوری است که موجب بقا و ماندگاری خواهد شد.

روش و بررسی این مقاله: به صورت تحلیلی و توصیفی تبیین شده است.

سوال اصلی: اهمیت جایگاه عدالت در حکومت مهدوی در آیات و روایات چگونه مطرح شده است؟

در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که مشروعیت حکومت اسلامی در تحقق عدالت است، آرمان‌ترین حکومت عدالت‌گستر، حکومت عادلانه امام زمان (عج) است همه بشریت در انتظار آن روز است.

کلید واژه‌ها: حاکمیت، عدالت، آرمانی، ظلم، مهدوی.

مقدمه

در حکومت عدالت گستر مهدوی عدالت بسیار جایگاه مهم وارزشمند دارد، عدالت ستون فقرات حاکمیت اسلامی را تشکیل می دهد، تمام تمدن وارزش های اسلامی تمدن وتحقق مدینه فاضله بواسطه عدالت در جامعه اسلامی تحقق می یابد، بهترین مطالب در باره عدالت در قرآن شریف بیان شده است انبیاء واولیاء الهی همه آمده است تا عدالت را در جامعه تحقق بخشد.

بیان مسئله

عدالت در حکومت عدالت گستر مهدوی یک مسئله ی است که همه از او سخن گفته مورد تمجید قرار گرفته، در واقع بحث از عدالت ریشه در طبیعت بشر دارد، و برگشت این اراده عدالت در شعور فطرت انسان نهفته است؛ یعنی انسان در درون خودش موجودی خواهان حکومت ونظام زندگی عادلانه است به امید مهدی موعود (عج) ظهور نماید حکومت عدالت گستر وآرمانی صاحب زمان (عج) بوجود بیاید، حکومت سعادت آفرین با ارزش های الهی که به سوی عدالت تحقق مدینه فاضله جامعه اسلامی را فراخواند.

پیشینه بحث

جایگاه عدالت در حکومت مهدوی در خود قرآن شریف مطرح است.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ». ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، قال الله تعالی «قَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» مراد از عهد خدا همان امامت است به «ظالم» این زعامت ورهبری نمی رسد. زعامت ورهبر در زمان معصوم به ائمه هدی (ع) می رسد به بیان آیات و در زمان غیبت به فقه عادل و جامع شرایط می رسد، که در روایات بیان شده است. در آخر حکومت عدالت گستر وعدالت حقیقی به دست مهدی موعود (عج) محقق می شود، که همه چشم ها انتظار آن روز

را، آروزومند است. انبیاء و اولیایی الهی همه آمده است، تا دست انسان ها را بگیرد برای پیشرفت و تمدن و عدالت اجتماعی سوق دهد، این اولیاء الهی مقدمه و زمینه ساز حکومت عدل مهدی (ع) است.

هم چنین بحث عدالت در قرآن شریف در روایات از زمان پیامبر (ص) و زمان ائمه معصومین مطرح بوده در بیانات سعادت آفرین مقام معظم رهبری مشروعیت حکومت در عدالت دانسته شده است. شیرازی، در تفسیر نمونه، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، قمی، ابی جعفر محمد بن علی در کمال الدین و تمام النعمه، لنکرانی، فاضل موحدی، در اصول فقه شیعه، . مرعشی، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، همه اینها بحث عدالت را مطرح نموده است آن را برای تکامل و تحقق یک جامعه آرمانی و عدالت محور یک امری لازم و ضروری دانسته است.

ضرورت بحث از این جهت است، که حکومت عدالت محور و آرمانی باید در جامعه حاکم شود تا زمینه حکومت عدالت گستر، امام زمان (ع) محقق شود، همه بشریت در انتظار آن روز است که مهدی موعود (ع) بیا ید، حکومت عدل الهی و مدینه فاضله در جامعه آرمانی امام زمان (ع) محقق شود.

عدالت در لغت

«عدالت و معادله دارای معنای مساوات و برابری است» (الاصفهانی، راغب : ۳۲۵)
عدالت در مقابل ظلم و جور قرار دارد (فیومی، ۱۳۹۷ش: ۳۹۶).

عدالت در اصطلاح

عدالت عبارت است از حسن ظاهر؛ یعنی ظاهر کارهای فرد، نشان گر پابندی او به احکام شرعی باشد. این تعریف به اکثر قدما نسبت داده شده است (طوسی، خلاف، ۱۴۰۷: ۶، ۲۱۷).

عدالت در کلام علی (ع)

از علی (ع) سوال شد از عدل وجود کدام بهتر است حضرت فرمود: «العدل یضع الامور مواضعها، والجود یخرجها من جهتها، والعدل سائس عام، والجود عارض خاص، فالعدل أشرفهما» (ری شهری، ۱۳۹۳ش: ۳، ۱۸۳۹) عدل، هرچیزی را در جای مناسبش قرار می

دهد؛ ولی بخشش وجود آن را از مسیرش فراتر می برد، عدالت، قانونی الهی عمومی است؛ ولی بخشش وجود جنبه خصوصی دارد؛ بنابراین، عدل، شریف تر و برتر از بخشش وجود است.

تعریف صاحب نظران اسلامی از عدالت

۱. در توضیح نظریه اسلام شناسان لازم به ذکر است که ایشان در حالت کلی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند یک دسته قائل به حسن و قبح ذاتی هستند و دسته دیگر حسن و قبح ذاتی را قبول ندارند. اگر چه بنابر هر دو مبنا عدالت آن چیزی است که مصلحت افراد را تضمین می نماید، لکن فرقی در آنجا است که دسته اول مصالح و مفاسد نفس الامری را قبول دارند؛ یعنی می گویند: عدالت آن چیزی است که مبنای همه احکام و دستورات دینی قرار گرفته است و دین نمی تواند حکمی که بر خلاف عدالت است، صادر کند. این دسته را اصطلاحاً «معتزله» می گویند که دیدگاه عدلیه نیز شبیه به این نظریه می باشد. در مقابل دسته دیگری وجود دارند که به طور خلاصه قائلند که هر چه خداوند بدان حکم کند، مصلحت و عدالت است و برای عدالت وجود مستقلاً فرض نکرده اند. این دسته را اصطلاحاً «اشاعره» می گویند (مطهری بید گلی، ۱۳۸۸ش: ۲۴).

۲. شهید مطهری ضمن انتقاد از بی توجهی فقیهان به جایگاه عدالت به عنوان یک قاعده، معیار و میزان در استنباط، «اصل عدالت را از مقیاس های اسلام می داند که همه چیز باید بر آن منطبق باشد. وی احکام دین را برخاسته و منطبق بر عدالت می داند نه معیار عدالت، نه با این معنا که چون دین گفته پس عدل است. بلکه آن چه عدل است، دین می گوید» (مطهری، ۱۳۸۰ش: ۳۰ تا ۳۴).

استاد مطهری در کتاب بیست گفتار، عدالت را «وَضْعُ الْأُمُورِ فِي مَوَاضِعِهَا» (مطهری، ۱۳۸۰ش: ۹) تعریف می کند و در جای دیگری آن را «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ» (. همان، ۱۳۶۲ش: ۱، ۳۳۶) معرفی می نماید.

۳. علامه طباطبایی درباره عدالت می‌فرماید: «و هی إعطاء کُلِّ ذی حَقٍّ مِنَ الْقَوَى حَقَّهُ و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له» (طباطبائی، ۱۳۹۱ ق: ۱، ۳۷۱) و آن (عدالت) پرداختن به هر صاحب حقی است حقش را و قرار دادن آن در جایگاهی که سزاوار اوست.

۴. امام خمینی نیز با تأکید بر عدالت به عنوان میزان، معیار تعبیر و اندیشه فقهی خود را بر آن استوار ساخته است (موسوی الخمینی، بی تا، ۲، ۵۱).

۵. علامه جعفری در تعریف عدالت می‌گوید: «عدالت عبارت است از رفتار مطابق با قانون» (جعفری، ۱۳۷۸ ش: ۳، ۲۵۴).

و سپس اضافه می‌نماید که این تعریف به نظر ما جامع ترین تعریفات برای عدالت است؛ بدون آن که اشاره نماید مراد از قانون که تبعیت از آن معیار عدالت قرار گرفته است، چه قانونی است.

تعریف فقیهان از عدالت

فقیهان آن را ملکه ای نفسانی دانسته اند که به واجب فرمان می‌دهد و از حرام باز می‌دارد، بنابراین؛ «عادل کسی است که مرتکب گناهان کبیره نشود و بر ارتکاب گناههای صغیره اصرار نداشته باشد» (انصاری، ۱۳۶۸ ش: ۳۲۶).

تعریف علمای اخلاق از عدالت

عالمان اخلاق، عدالت را به «انقیاد عقل عملی برای قوه عاقله» یا «سیاست کردن قوه غضب و شهوت» معنا کرده اند (نراقی، ۱۳۸۳ ق: ۱، ۵۲).

تعریف همگان از عدالت

آخرین تعریفی که در این گفتار برای عدالت به آن اشاره می‌کنیم، تعریفی است که مقبول تمام فرهنگ‌ها و همه ملل است و آن این است که «آن چه را برای خود پسندیم که برای دیگران می‌پسندیم». این مطلب به عنوان یکی از آموزه‌های فرهنگی تربیتی اسلام ترجمه این حدیث شریف است که می‌فرماید: «أَحِبِّ لِنَفْسِكَ مَا تُحِبُّ لِغَيْرِكَ» (مطهری بید گلی، ۱۳۸۸ ش: ۲۶).

آیات عدالت در حاکمیت الهی

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵).

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و منافی برای مردم، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کنند بی‌آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

پیام‌ها:

الف. انبیاء و اولیاء الهی با کتاب و برنامه همه جهت یک هدف مقدس آمده، که دست بشریت را بگیرد به قسط و عدالت فرخواند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

ب. عدالت به صورت مطلق آمده است که همه نوع عدالت را شامل شود، از عدالت اجتماعی فردی اقتصادی سیاسی کشوری فرامنطقوی و جهانی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

ج. تمام انبیاء و اولیاء الهی آمده است که عدالت و قسط را به جامعه به ارمغان بیاورد مقدمه ظهور یگانه منجی عالم بشریت شود، که جهان را از عدالت و قسط مملو کند، انبیاء و اولیایی الهی همه مقدمه و زمینه ساز حکومت عدل مهدی ع است، و قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «لم تنقض الأيَّام و الليالي حتَّى يبعث الله رجلاً من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (مرعشی، ۱۴۰۹ ق: ۱۳، ۱۸۶).

د. عدالت واقعی وقت در جامعه قابل تحقق است که کتاب و قانون عدالت محور جهت سعادت بشریت باشد و مجری قانون از رهبران الهی یا عالمان عامل و عادل در زمان غیبت باشد «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

ه. جامعه به سه قوه نیاز دارد: مقننه، «الکتاب»، قضائیه «المیزان لیتقوم الناس بالقسط» و مجریه. «أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۴۸۶).

و. با موانع گسترش عدالت، باید برخورد شدید کرد. «لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (همان).

ز. نکته جالب دیگر در جمله «لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» این است که از «خود جوشی مردم» سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسانها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می‌گوید: هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند! آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند، و این راه را با پای خویش بی‌پویند (شرازی، ۱۳۸۷ش: ۲۳، ۳۷۳).

ح. ولی از آنجا که به هر حال در يك جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد باز افرادی پیدا می‌شوند، که سر به طغیان و گردنکشی بر می‌دارند و مانع اجرای قسط و عدل خواهند بود؛ لذا در ادامه آیه می‌فرماید: «ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و نیز منافی برای مردم!

آری تجهیزات سه‌گانه انبیاء الهی برای اجرای عدالت وقتی می‌تواند به هدف نهایی برسد که از ضمانت اجرایی آهن و «باس شدید» آن برخوردار باشد. (همان).

ط. مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای، به تبیین تفاوت میان قسط و عدل پرداخته، و می‌فرماید: «قسط با عدل فرق می‌کند. «عدل» يك معنای عام است. «عدل» همان معنای والا و برجسته ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد؛ یعنی يك موازنه صحیح. عدل این است؛ یعنی رفتار صحیح، موازنه صحیح، معتدل بودن، و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این معنای عدل است. لکن «قسط» همین عدل در مناسبات اجتماعی است؛ یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌کنیم. این غیر از آن «عدل» به معنای کلی است. انبیا اگرچه حرکت کلی شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است «بالعدل قامت السماوات و الارض» (کاشانی، بی تا: ۵، ۱۰۷) آسمان ها هم با همان اعتدال و عدالت و میزان بودن،

سر پا هستند - اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسئله است و او تشنه آن است و با کمتر از آن نمی تواند زندگی کند، قسط است. «قسط» یعنی اینکه عدل خُرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) انبیا برای این آمدند. بشر نمی تواند در سایه بی عدالتی و رفتار ظالمانه و تجاوز و تعرّض و اتکای به قلدری و زور، زندگی کند. این زندگی نمی شود. این جهنّم است. انبیا آمده اند تا از محیط زندگی، بهشتی بسازند.» (رهبری، اول بهمن ۱۳۷۱).

۲. «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس/۴۷)

و برای هر امتی رسولی است، هنگامی که رسولشان به سوی آنها بیاید خداوند به عدالت در میان آنها داوری می کند و ستمی به آنها نمی شود (شرازی، ۱۳۸۶، ش: ۸، ۳۰۲).

پیام ها:

الف. از سنّت های الهی آن است که هیچ امتی بدون پیامبر نباشد. «لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ»

ب. گسترش قسط و عدل در جامعه، در سایه ی بعثت پیامبران است. «فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ»

ج. در قیامت، هر گروهی با پیامبر خودشان حاضر می شوند، سپس میان آنان به عدالت داوری می شود. «فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ش: ۳، ۵۸۰).

د. رسول اکرم (ص) فرموده است: «عَدَلُ سَاعَةِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامَ لَيْلِهَا وَصِيَامَ نَهَارِهَا، وَجَوْرُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً» (شعیری، بی تا: ۴۳۵ ح ۱۲۱۶). ساعتی عدالت بهتر از هفتاد سال عبادت است که شب هایش به نماز و روزهایش به روزه بگذرد و ساعتی ظلم در پیش خدا، در حکم شدید تر و عظم تر از معاصی شصت سال است.

ه. رسول اکرم (ص) فرموده است: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ» (متقی، بی تا، ۱۶ ص ۱۲۸ ح ۴۴۱۵۴) عادل ترین مردم کسی است

که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی پسندد.

و. عدالت یک قانون عام وجهانی که ضامن سعادت و آبادی نظام اجتماعی و فردی نظام شرعی و تکوینی است امام علی (ع) فرموده است « فِي الْعَدْلِ الْاِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ وَ ثَبَاتُ الدُّوَلِ » (ری شهری، ۱۳۹۳ ش: ح ۱۱۹۷۹) پیروی از سنت خدا و پایداری دولت ها نتیجه عدالت است .

ز. مقام معظم رهبری قوه قضائیه را ضامن اجرای عدالت در جامعه می دانند و خطاب به رئیس و مسئولان دستگاه قضا تصریح می کنند: «عدل فقط به وسیله قوه قضائیه اجرا نمی شود، بلکه همه دست اندرکاران حکومت اسلامی به سهم خود، در اقامه عدل موظف هستند؛ منتها ضامنش قوه قضائیه است. اگر شما، که قوه قضائیه هستید، عادل باشید و در هر شرایط و نسبت به هر کسی، از شخص من تا آحاد مردم و مابین همه مسئولان حکومتی، عدالت را هدف اصلی و غیرقابل اغماض بدانید، امکان ندارد که بتوانند از عدالت منحرف بشوند؛ زیرا دست قوی قاضی، که هم به دنبال عدل است و هم به موارد اجرای عدالت - یعنی به مفهوم عدالت و آنچنان که باید عدالت را اجرا کند - بصیر است و هم به موارد تخلفش - یعنی خارجیات و موضوعات خارجی - آگاه می باشد، سراغ آن متخلف می آید و گریبان او را می گیرد و نمی گذارد که از عدل تخلف بشود» (رهبری، ۲۰ شهریور ۱۳۶۸).

۳. «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸).

خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی)، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب)، گواهی می دهند، در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد، معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است .

۴. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» (نحل: ۹۰).

الف. در آغاز می‌گوید: خداوند فرمان به عدل و احسان می‌دهد و (همچنین) بخشش به نزدیکان «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» چه قانونی از عدل وسیعتر و گیراتر و جامعتر تصور می‌شود؟ عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌گردد، آسمانها و زمین و همه موجودات با عدالت بر پا هستند «بالعدل قامت السموات و الارض» (شرازی، ۱۳۸۷ش: ۱۱، ۳۶۷).

ب. اما از آنجا که عدالت با همه قدرت و شکوه و تاثیر عمیقش در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان را پشت سر آن می‌آورد. به تعبیر روشنتر در طول زندگی انسانها مواقع حساسی پیش می‌آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست، بلکه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل «احسان» باید تحقق یابد (همان).

ج. اتفاقاً این دو اصل در سازمان بدن يك انسان نیز بطور طبیعی حکومت می‌کند، در حال عادی تمام دستگاههای بدن نسبت به یکدیگر خدمت متقابل دارند و هر عضوی برای کل بدن کار می‌کند و از خدمات اعضای دیگر نیز بهره‌مند است (این همان اصل عدالت است). ولی گاه عضوی مجروح می‌شود و توان متقابل را از دست می‌دهد، آیا ممکن است در این حال، بقیه اعضا او را به دست فراموشی بسپارند، به خاطر اینکه از کار افتاده است؟ آیا ممکن است دست از حمایت و تغذیه عضو مجروح بردارند؟ مسلماً نه (و این همان احسان است) (همان ص: ۳۶۸).

د. اما مسأله نیکي به نزدیکان «إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» در واقع بخشی از مسأله احسان است با این تفاوت که احسان در کل جامعه است، «وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» در خصوص خویشاوندان و بستگان که جامعه کوچک محسوب می‌شود، و با توجه به اینکه جامعه بزرگ از جامعه کوچکتر یعنی جامعه فامیلی ترکیب شده، هر گاه، این واحدهای کوچکتر از انسجام بیشتری برخوردار گردند، اثر آن در کل جامعه ظاهر می‌شود، و در واقع وظائف و مسئولیتها به صورت صحیحی در میان مردم تقسیم می‌گردد، چرا که هر گروه در درجه اول به ضعفای بستگان خود می‌پردازد،

و از این طریق همه این گونه اشخاص زیر پوشش حمایت نزدیکان خود قرار می گیرند (همان، ص ۳۷۰).

عدالت امام عادل در جامعه آرمانی شیعه

یکی از القاب امام مهدی (ع) عدل است؛ چرا که او نماد عدل و داد و مظهر و مظهر آن است. امام (ع) را العدل المنتظر خوانده اند (طوسی، ۱۳۶۴: ۳، ۱۱۰) که اشاره به موعود و دلیل انتظار است. در این دعا نیز امام (ع) «امام عدل» خوانده شده است که اشاره به جایگاه عدالت در حکومت مهدوی است. بسیاری از مصادیق عدالت، هنوز روی در نقاب دارد و شکوفا نگشته است. امام مهدی (ع) شکوفا کننده عدل و بر فراز آورنده آن است. در زمان اوست که حقیقت به طور کامل ظاهر می گردد و عدالت به گونه تام شکوفا می شود.

عدالت در جامعه آرمانی مهدوی همان عدالت است که تمام اولیاء و انبیاء الهی در طول زندگانی خویش تلاش کرده است، جامعه را به سوی آن عدالت سوق داده است، ثمره تمام این تلاش ها از این جهت است مدینه فاضله و عدالت نجات بخش در زمان حکومت مهدوی محقق شود، در زمان حکومت مهدوی هر گونه از عدالت از عدالت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی دستور و آرمانهای الهی به میدان می آید تمام ملت گرای، نژاد گرایی، خود محوری، پارت بازی از میان می رود عدالت که دستور خداوند منان است در جامعه حاکم می شود رنگ روح جامعه آن چنان می شود که هر طرف می روی خدا را مینگری. از هر چیزی غیر خدایی استغفار می کنی (طبا طبایی، بی تا، ۶۱).

الإمامُ زینُ العابدینَ علیه السلام - في الدعاء - «أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ ، وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ ، وَ مِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ ، وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵۱، ۹۴).

امام زین العابدین علیه السلام - در دعا - گفت : از هر لذتی جز [لذت] یاد تو و از هر آسایشی جز [آسایش] انس با تو و از هر سُوروی جز [سُور] قرب تو و از هر کاری جز طاعت تو، از تو آمرزش می طلبم .

شعار عدالت در حکومت مهدوی

عدالت واژه زیبایی است که هر فرد و گروه و صاحب نظریه سیاسی آن را هدف اساسی خود می‌شمارد و شعار سیاسی خود را با آن تنظیم می‌کند. از حکومت‌های سلطنتی و استبداد فردی گرفته تا مدینه فاضله دیگران، عدالت اجتماعی را محور اندیشه‌های خویش قلمداد کرده‌اند. دموکراسی و لیبرال دموکراسی امروزین نیز چنین ادعایی دارد. حتی لشکرکشی‌های غرب و به خاک و خون کشیدن مسلمانان مظلوم در کشورهای اسلامی نیز تحت این لواء تجزیه و تحلیل می‌گردد. ولی این همه شعار است و پوششی برای به قدرت رسیدن حزب یا فرد. تعریف عدالت در نزد همه اینان تعریفی نادرست و غیردقیق است. عدالت تنها در پرتو حکومت الهی امام عصر پدید می‌آید. آن گاه که پس از تجربه شدن انواع حکومت‌ها، بشر بفهمد که تا کنون دنبال سراب بوده است، به خود می‌آید و عدالت مهدوی را تجربه کرده و آن را لمس می‌کند. این زمان دیگر فرصت تبلیغات از تمامی نظریه‌ها و نظریه پردازان سلب می‌شود؛ چون همه آن‌ها قدرت را زمانی در دست داشته و از گسترش عدالت در جامعه عاجز مانده‌اند. در واقع، نظریه «عدالت مهدوی» تعبیری زیبا از «پایان تاریخ» است. تنها تفاوت آن است که برخلاف دیدگاه متکبرانه و مغرورانه اندیشمندان غربی که پایان تاریخ را به معنای به قدرت رسیدن مستکبران می‌دانند، به عدالت به عنوان تنها راه فراگیر اشاره دارد و محور آن را بر عدالت مهدوی قرار داده است.

الامام الصادق (ع): «أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر» (همان، ص ۴۸).

شریان عدالت در لایه‌های پنهان جامعه

یکی از زیباترین تعبیرها در باب گستره عدالت مهدوی در این متن بیان شده است. «عدالت» لایه‌های پنهان زیادی دارد. ممکن است در جامعه‌ای قوانین و مقررات عادلانه وضع و اجرا گردد، ولی در کوچه پس کوچه‌های شهر، دور از نگاه قانون و مأمور بر کسی جفا شود. ممکن است جو عمومی جامعه با عدالت هماهنگ باشد؛ ولی در اجتماع کوچک خانواده، بر

زن و فرزند جفا رود. ظاهر این است که جامعه مهدوی عدالتی فراتر از همه این‌ها دارد. عدالت فرهنگ زمانه گشته و در تمامی لایه‌های پیدا و پنهان جامعه جریان یافته است. آن چنان که سرما و گرما در دل هر کوی و خانه و از هر برزن و روزن نفوذ می‌کند، عدالت مهدوی هم در تمامی گوشه گوشه جامعه عطر می‌پراکند و چه زیباست جامعه‌ای این چنین. عمار الساباطی « قال: قلت لابی عبدالله (ع): ... جعلت فداك فما تتمني إذا أن نکون من أصحاب الامام القائم في ظهور الحق و نحن اليوم في إمامتك و طاعتك أفضل أعمالا من أعمال أصحاب دوله الحق فقال: سبحان الله: أما تحبون أن يظهر الله عزوجل الحق والعدل في البلاد، و يحسن حال عامه البعاد» (همان ص ۴۸).

گستره عدالت در حکومت مهدوی

۱. یکی از نکات جالب مورد اشاره در این روایت و روایت بعد، گستره عدالت مهدوی است. عدالت به عنوان يك حق عام، شامل همه افراد انسانی است و فقیر و غنی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و حتی خوب و بد نمی‌شناسد. ممکن است شخصی فاجر باشد و با عصیان اوامر الهی خود را مستحق دوزخ و عذاب نماید. انجام افعال ناشایست و فسق و فجور، اگرچه باعث دوری او از رحمت الهی می‌گردد، حق او را در برخوردار بودن از عدالت سلب نمی‌کند. بدین جهت در توصیف شمول عدالت مهدوی آمده است: «یعدل في خلق الرحمن، البرّ منهم والفاجر» (قمی، بی تا، ۱، ۱۶۱، ح ۳) این فقره از روایت، یادآور عدالت علوی است که حتی شامل دشمنان او هم گشته است. عبیدالله بن حر جعفی از شجاعان کوفه بود که از حکومت امام علی (ع) گریخت و به معاویه ملحق شد و حتی در لشکرکشی معاویه در مقابل امام علی (ع) جنگید. او آن گاه که شنید خانواده همسرش از غیبت و بدنامی او استفاده کرده و طلاق همسر او را گرفته و با دیگری کابین ازدواج بسته اند، به کوفه آمد و خدمت امام علی (ع) رسید و ماجرا را بازگفت. امام علی (ع) بدکرداری‌های او را گوشزد نمود و اعمال پیشین او را نکوهش کرد. عبدالله که به شقاوت خود معترف بود گفت: أیمنعني ذلك من عدلك؟ آیا اعمال

ناشایست من، من را از شمول عدالت علوی خارج می‌کند؟ امام (ع) جواب منفی داد و حق وی را به او بازگردانید. عبدالله پس از برخورداری از عدالت امام علی (ع) دوباره به شام برگشت و به معاویه ملحق شد (ابن الاثیر، ۱۳۸۵ ش: ۳، ۲۵).

۲. الامام الباقر (ع): «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسُّوْيَةِ وَيُعَدِّلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ» (قمی، تا، ۱، ۱۶۱، ح ۳). در این متن و برخی متون دیگر عدالت در کنار مساوات مورد اشاره و اعتنا قرار گرفته است. مقصود از مساوات در این متون این است که بیت المال که حق عمومی همه مسلمانان است باید به شکل مساوی در میان آنان تقسیم شود. ویژگی‌های شخصی و اجتماعی و حتی سابقه مبارزاتی و مدیریتی سلب خواهد شد که سهم بیشتری از بیت المال نصیب کسی شود. امام علی (ع) نیز این سان عمل کرده و بیت المال را به گونه مساوی میان همه افراد تقسیم می‌نمود و خود نیز سهمی برابر با غلام سیاه دون پایه تازه مسلمان می‌گرفت. البته این مساوات بدین معنا نیست که ثروت همه افراد موجود در جامعه اسلامی یکسان باشد همان گونه که برخی جامعه بی طبقه را فریاد می‌کردند طبیعی است که در جامعه‌ای با اقتصاد سالم، هر فرد مطابق با فعالیت‌های فکری و علمی و تخصصی خود درآمد خاصی خواهد داشت که با درآمد اقشار و افراد دیگر متفاوت خواهد بود. بنابراین مقصود از مساوات در این روایت، و روایات مشابه، مساوات در برخورداری از امتیازها و درآمدهای عمومی جامعه است. (مثلاً فردی که در مرکز قدرت و ثروت زندگی می‌کند، سهمی برابر با فردی خواهد داشت که در دورترین نقطه جامعه اسلامی زیست می‌کند (طبا طبایی، بی تا، ۴۹).

۳. الامام الباقر (ع): «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اُضْمَحَلَتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ» (مجلسی، محمد باقر بحارالانوار ۱۴۰۴ ق: ۵۲، ۳۰۹) هنگامی که قائم قیام کند، قطاق طریق از بین می‌رود دیگر قطاق طریق و مزاحم وجود ندارد.

۴. از همان امام معصوم (ع) وارد شده است خطاب به یکی از مخاطبان خود فرمودند: «إِجْعَلِ الدِّينَ كَهَفْكَ، وَ الْعَدْلَ سَيْفَكَ، تَبْجُ مِنْ كُلِّ سَوْءٍ، وَ تَظْهَرُ عَلَى كُلِّ عَدُوٍّ» (ری شهری، ۱۴۱۷ق: ۴، ۳۲۶۱) دین را پناهگاه خودت و عدل را شمشیر خودت قرار ده تا از هر بدی نجات یابی و بر هر دشمنی پیروز شوی.

عدالت اجتماعی، قضایی و اداری

۱. امام (ع) کارگزاران نااهل قضایی را بر کنار می‌کند و آنان که سیرت پسندیده دارند بر کار می‌گمارد. سیره مدیریتی حضرت در برکناری عمال اداری امراء الجور همانند سیره امام علی (ع) در برکناری کسانی است که با مردم عدالت نمی‌ورزیدند. در جامعه مهدی، هیچ نیرنگ بازی وجود نخواهد داشت و سیره او عمل بر مدار عدل و قوانین عادلانه خواهد بود. عدالت آرزوی همیشگی انسان‌ها آن گاه که بر صدر نشیند و ارج بیند، طبیعی است که مردگان نیز آرزوی بازگشت به آن دیار را داشته باشند. الامام علی (ع): «ان الله تبارك وتعالی لن یذهب بالدنیا حتی یقوم منا القائم. یقتل مبغضینا و لایقبل الجزیه و یکسر الصلیب و الاصلنام و یضع الحرب أوزارها و یدعو إلی أخذ المال فیقسمه بالسویه و یعدل فی الرعیه» (. قمی، ۱۳۸۵ ش: ۱، ۵۷۸، طباطبایی، بی تا: ۴۹).

۲. الامام علی (ع): «التاسع من ولدك یا حسین هو القائم بالحق المظهر للدين والباسط للعدل» (قمی، ۱۳۹۵ ش: ۱، ۳۰۴ ح ۱۶) یکی از اوصاف امام زمان (ع) «بسط دهنده عدالت است. حضرت نه تنها خود عدالت می‌ورزد، بلکه می‌کوشد تا فرهنگ عدالت در میان مردمان را گسترش دهد.

۳. الامام الحسین (ع): «یا بشر بن غالب، من أحبنا لایحبنا الا الله، جئنا نحن و هو کھاتین، و قدر بین سبابتیه، و من أحبنا لایحبنا الا للدنیا فانه إذا قام قائم العدل وسع عدله البر والفاجر» (برقی، ۱۴۱۶ ق: ۱، ۶۱ ح ۱۰۴).

عدالت فردی در حکومت مهدوی

ذكر القائم عند الرضا(ع) فقال: «... و ما لباس القائم(ع) إلا الغليظ و ما طعامه إلا الجشب» (النعماني، ۱۳۹۷ ق: ۲۳۳، ب ۱۲، ح ۲۰) از حضرت قائم (عج) نزد امام رضا(ع) یاد شد، پس حضرت فرمودند: ... نیست لباس و پوشش حضرت قائم(ع) به جز لباس زبر و نیست طعام و خوراک آن حضرت به جز خوراک غیر لذیذ.

عدالت و تکامل فرهنگی در حکومت مهدوی

۱. امام باقر(ع) می فرماید: «اذا قام قائمنا وضع يده على رأس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم»

(شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۱، ۲۶۲).

آن گاه که قائم ما قیام کند دست محبت و امامت بر سر بندگان نهد و پس از آن خردها را بالنده و خلق و خویها را به تمام و کمال می رساند.

۲. «تؤتون الحكمة في زمانه حتى أن المرأة لتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله (ص)» (العطاردي، بی تا: ۱، ۵۱۲).

در دوران او، شما از حکمت برخوردار می شوید تا آن جا که زن در خانه خود، برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر (با استنباط شخصی) به انجام تکالیف شرعی خود می پردازد.

عدالت اقتصادی در حکومت مهدوی

۱. قال رسول الله(ع): «إذا خرج المهدي ألقى الله تعالى الغنى في قلوب العباد، حتى يقول المهدي: من يريد المال؟ فلا يأتيه أحد إلا واحد يقول أنا، فيقول: أحث فيحني فيحمل على ظهره، حتى إذا أتى أقصى الناس. قال: ألا أراني شر من ها هنا، فيرجع فيرده إليه، فيقول: خذ مالك، لا حاجة لي فيه» (الكوراني، بی تا: ۱، ۲۴۰).

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: هنگامی که مهدی ظهور کند، خداوند تعالی بی نیازی را در دل های بندگان جایگزین می سازد، تا آنجا که وقتی مهدی می گوید: چه کسی مال و دارایی

می خواهد؟ جز يك نفر هیچکس به سوی او نمی آید. پس او می گوید: [هر چه خواهی] بگیر. آن مرد هم مقداری مال برگرفته بر دوش خود گذاشته می رود، تا آنجا که به دورترین مردم می رسد. در این وقت می گوید: آیا من از این مردم هم بدترم. پس باز می گردد و آن مال را به مهدی برمی گرداند و می گوید: مالت را بگیر نیازی به آن ندارم.

۳. «إسعاف الراغبين أخرج أحمد و الماوردی أنه صَلَّى الله عليه و سلم قال: «أبشروا بالمهدي-إلى أن قال:- يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض، و يقسم المال بالسوية، و يملأ قلوب أمة محمد غنى، و يسعهم بعدله» (الصبيان، ۲۰۰۶ میلادی: ۱۵۱) حضرت محمد(ص) بشارت به مهدی (ع) داده است تا اینکه فرموده است: از او ساکن آسمان و زمین راضی می شود مال را بالسوية، تقسیم می کند و قلب های امت محمد (ص) مملو از غنا می شود، و سعت عدلش به همه می رسد.

۴. «و ألقى الرأفة و الرحمة بينهم فيتواسون و يقتسمون بالسوية، فيستغنى الفقير و لا يعلو بعضهم بعضاً» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵۲، ۳۸۵، ح ۱۹۴) رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یکدیگر مواسات می کنند و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و کسی برتر از دیگری (در مال) قرار نمی گیرد.

۵. تراز تمدن حضرت مهدی(عج) عدل است که در پرتو آن دیگر ارزشها جایگاه واقعی خود را می یابند:

«يُطَهَّرُ الله به الأرض من كل جور و يقْدَسُها من كل ظلم... فاذا خرج وضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم احدٌ احدًا» (قمی، ۱۳۹۵ ش: ۲، ۳۷۱) با وجود آن حضرت جهان از هرگونه ستم پاک می شود.... آن گاه که ظهور کند میزان عدل را در میان مردم بنیان نهد هیچ کس به دیگری ستم روا نخواهد داشت.

عدالت سیاسی در حکومت مهدوی

۱. فقد جاء في حديث عن الإمام الباقر(ع) «حين تفسير الآية الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ ... قال: إِنْ هَذِهِ الْآيَةُ الَّذِينَ إِنْ ...

نزلت في آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم والمهدي (عج) وأصحابه «يملّكهم الله مشارق الأرض ومغاربها، ويظهر الدين ويميت الله به وبأصحابه البدع والباطل، كما أُمات الشقاة الحق، حتى لا يرى أين الظلم، و يأمرّون بالمعروف و ينهون عن المنكر» (شیرازی الأمثل، ۱۴۲۱ق: ۱۰، ۳۶۳).

امام باقر(ع) در بارة آیه شریفه (همان کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، اقامه نماز می کنند و زکات می پردازند) می فرمایند: این آیه در مورد آل محمد، مهدی و اصحابش است. خداوند، شرق ها و غرب های زمین را در اختیار آنان می گذارد، او دین را آشکار می کند. خداوند به واسطه او و اصحابش، بدعت ها و باطل ها را می میراند...

عمران و عدالت در حکومت مهدوی

۱. اگر در عالم امکان امام عادل حکومت کند، از این حکومت امام عادل تمام جهان و نظام هستی احساس سرور و سلامت و عدالت و امنیت می کند، مملکت به صورت عادلانه راه رشد و تکامل خویش را می پیماید، موجب عمران و آبادی جامعه می شود. قَالَ: عَلِيٌّ (ع) « مَا عُمِرَتِ الْبِلَادُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ » (شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۲، ۵۲۶).

۲. عن أبي سعيد الخدري عن النبي (ع) قال: « تَنْتَعِمُ أُمْتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نِعْمَةً لَمْ يَنْتَعِمُوا مِثْلَهَا قَطُّ يَرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ » (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۱، ۹۷).

پیامبر اکرم^۶ فرمودند: امت من در زمان مهدی(ع) از نعمات بسیاری برخوردار خواهند شد به طوری که مثل آن برخوردار نشده بودند. خداوند باران فراوان بر آنها می فرستد و زمین گیاهش را دریغ نمی کند.

امنیت و عدالت در حکومت مهدوی

۱. در جهان امروزی انزاع جنگ و نا امنی حکم فرما است، در حکومت جهانی امام مهدی (عج) امنیت فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی اخلاقی به صورت عمومی و فراگیر وجود

پیدا می کند، در فرمایش امام علی (ع) این چنین آمده است: اگر قائم، رستاخیز کند، آسمان، چنان که باید، ببارد و زمین گیاه برویاند. کینه ها از سینه ها بیرون رود. حتی حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن، با همه زیب و زیور خویش، از عراق درآید و تا شام برود، نه جایی زمینی بی سبزه بیند و نه درنده ای او را نگران سازد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰، ۱۰۴).

ظهور دین حق در حکومت مهدوی

۱. در حکومت جهانی صاحب الزمان (عج)، ارزش های سعادت آفرین و جهان شمول را در اختیار تمام بشریت و جامعه انسانی قرار می دهد. از امام باقر (ع) نقل شده است خداوند به دست مهدی، دین خویش را بر همه دین ها پیروز سازد، اگرچه این را بی دینان نخواهند (همان: ۵۲، ۱۹۱) همان طور که در قرآن کریم نیز بر همین معنا تأکید شده است «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه آیه ۳۳).

برکت و عدالت در حکومت مهدوی

۱. در حدیث جالب دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم «إذا قام القائم: حكم بالعدل و ارتفع الجور في أيامه و امنت به السبل و أخرجت الارض برکاتها و ردَّ كلَّ حقٍّ الى اهله...» (شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۱، ۲۶۷).

«مَنْ عَدَلَ فِي الْبِلَادِ، نَشَرَالله عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ» (آمدی، ۱۳۳۷ ش: ح ۲۸۳).

کسی که عدالت را پیشه خود قرار دهد در بلاد تحت امرش، خداوند رحمتش را بر او (یا آن بلاد) منتشر می گرداند.

۲. هنگامی قائم قیام نجات بخش خود را آغاز می کند حکومت خویش را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در زمان حکومت او برچیده می شود، به وسیله عدالت برکات چند برابر می شود. «بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ» (همان).

عدالت وقسط در حکومت مهدوی

۱. عن رسول الله (ص): «أبشركم بالمهدي يبعث في أمتي على اختلاف من الناس و زلزال، فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض يقسم المال بالسوية بين الناس» (ری شهری، ۱۳۹۳ ش: ۷، ۲۴۲) رسول خدا (ع) فرمود: شما را به ظهور مهدی (ع) بشارت می‌دهم؛ زمین را پر از عدالت می‌کند همان گونه که از جور و ستم پر شده است؛ ساکنان آسمانها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروتها را بطور مساوی بین مردم تقسیم می‌کند (شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۱، ۲۶۸-۲۶۹).

۲. شما برادران و خواهران توجه دارید که برجسته ترین شعار مهدویت عبارت است از «عدالت». مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار میکنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جملهای که ذکر میکنیم این است: «این المعد لقطع دابرالظلمة، این المنتظر لا قامة الامت والعوج، این المرتجي لازالة الجور والعدوان» یعنی دل بشریت میتپد تا آن نجات بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند، بنای ظلم را که در تاریخ بشر از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد، ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است.

یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته ترین آن خصوصیات این است که: «الذي يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً». انتظار این است که او همه عالم نه يك نقطه را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر کند. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار است همین معنا وجود دارد (رهبری نیمه شعبان، ۸۱/۷/۳۰).

۳. امام زمان (ع) قلب عالم امکان است وقت درعالم امکان امام عادل حکومت داشته باشد، تمام عالم امکان را مشحون از «عدالت» میکند؛ چنانکه اگر قلب سالم باشد خون به تمام بدن

به صورت عادلانه تقسیم می شود، در صورت که حاکم امام عادل باشد جهان مملوه از عدالت و خیر برکت می شود « عن النبي (ص) لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلا من أهل بيتي يملأها عدلا كما ملئت جورا » (مرعشی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹، ۲۲۵).

۴. و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم ها و آزارهاست، يك مصداق از انتظار فرج است» (رهبری، ۲۹ شهریور، ۱۳۸۴) اصل، عدالت است. شما ببینید انتظار حجت قائم - ارواحنا فداه - که انتظار دیرپای همیشگی شیعه بوده، در درجه اول، برای این بوده است، که عدالت در دنیا استقرار پیدا کند «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (صافی، ۱۴۲۱ق: ۲۴۷) همه چیز بعد از عدالت است. آرزوی دیرین انسان های مظلوم در سرتاسر تاریخ هم عدالت بوده است. ما امروز نظامی داریم که می خواهد دنبال عدالت باشد. این هدف و شعار ماست. باید راه را درست انتخاب کنیم.» (رهبری، ۲۳ آبان ۱۳۸۲).

عدالت آرمانی مهدوی از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱. مقام معظم رهبری با اشاره به مباحث گوناگونی که در محافل فکری و حوزه های اندیشه در باب «مشروعیت» مطرح می شود، معیار اساسی و سنگ بنای مشروعیت حاکمان را در نظام اسلامی «عدالت خواهی» و «مبارزه با ظلم و بی عدالتی» معرفی نموده، می فرمایند: مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این پایه مشروعیت ماست. الآن درباره مشروعیت، حرف های زیادی زده می شود، اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که اینجا نشسته ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده ایم. ما آمده ایم جامعه را از مواهب الهی

خودش - که مهم ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم. تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون طلبی انسان های مفتخوار و سوءاستفاده کن، امکان پذیر نیست» (رهبری، ۵ شهریور ۱۳۸۲).

۲. در حقیقت، آن جامعه ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج) به وجود خواهد آمد، همان جامعه ای است که همه پیغمبران الهی برای تهیه مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی ایجاد يك جامعه ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیه قرآن که در باره بعثت پیامبران میفرماید: «القوم الناس بالقسط» یعنی پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت می کند، پس حکومت مهدی (عج) و جامعه مهدوی، همان جامعهای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند (رهبری، کیهان، ۶۰/۳/۲۲).

۳. حکومت الهی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوي شرق و غرب نیست؛ بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت میکند، باید خوشحال و امیدوار باشد؛ زیرا آینده متعلق به او است (رهبری، کیهان، ۷۳/۱۰/۲۸).

۴. انتظار ظهور امام زمان (عج)، به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و «عدالت» برای همه انسانها و انتظار رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و انتظار فرارسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است. (رهبری، ۷۴/۱۰/۸) انتظار ظهور، اشتیاق انسانهای صالح برای گسترش عدالت است. (رهبری، ۷۵/۱۰/۱۲) انتظار منتظران مهدی موعود در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است. درد بزرگ بشریت، امروز همین مسئله فقدان عدالت است. همیشه دستگاههای ظلم و جور در سطح دنیا به شکلهای مختلف بر مردم جفا کرده اند. بشریت را زیر فشار قرار داده اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده اند؛ اما امروز

این معنا از همیشه تاریخ بیش تر است. و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود میطلبد و انتظار میبرد. مسئله، مسئله طلب عدالت است (رهبری، نیمه شعبان، ۸۱/۷/۳۰).

نتیجه گیری

واژه عدل به معنای قرار دادن هر چیز در جای مناسب خودش است، عدل الهی اینکه هر موجودی به اندازه قابلیت خود از فیض الهی بهره مند می شود، وقت یک حاکمیت الهی به عدالت و تحقق مدینه فاضله می رسد عدالت مهدوی به یک گستره عدالت آرمانی و جهان شمول به قانون فراگیر و همه شمول از تمام جهت ها، از عدالت فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در لایه های ظاهر و پنهان جامعه حاکم می شود، و مردم که انواع حکومت ها را دیده که با ندای عدالت مردم را به طرف خود دعوت کرده، و عدالت واقعی را مردم در حکومت آنها ندیده، این عدالت حکومت مهدوی فراگیر و جهان شمول که در لایه های ظاهر و پنهان جامعه حاکم شده است و عدالت به صورت یک فرهنگ و تحقق مدینه فاضله آرمانی به وجود آمده است.

«قال الله تعالى» «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» مراد از عهد خدا همان امامت است به «ظالم» این زعامت و رهبری نمی رسد. زعامت و رهبر در زمان معصوم به ائمه هدی (ع) می رسد به بیان آیات و روایات و در زمان غیبت به فقه عادل و جامع شرایط می رسد، که در روایات بیان شده است. در آخر حکومت عدالت گستر و عدالت حقیقی به دست مهدی موعود (ع) محقق می شود، که همه چشم ها انتظار آن روز را، آروزمند است.

به قول معظم رهبری: «در حقیقت، آن جامعه ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج) به وجود خواهد آمد، همان جامعه ای است که همه پیغمبران الهی برای تهیه مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی ایجاد يك جامعه ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیه قرآن که در باره بعثت پیامبران میفرماید: «القوم

الناس بالقسط» یعنی پیغمبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت می‌کند، پس حکومت مهدی (عج) و جامعه مهدوی، همان جامعه‌ای است که این هدف را به طور کامل تأمین میکند».

کتابنامه

- ابن الاثیر، ابوالحسن علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت- لبنان دارالصاد، ۱۳۸۵ ش.
- الاصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات را غیب*، ترجمه حسین خداپرست، قم: نشر نوید، ۱۳۸۷ ش.
- انصاری، مرتضی، *رساله عدالت*، ضمیمه مکاسب، موسسه مطبوعات دینی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ *غررالحکم و دررالکلم*، ح ۲۸۳، بی نا، تهران، ۱۳۳۷ ش.
- برقی، ابی جعفر احمد بن محمد، بن خالد، *المحاسن*، قم: مجمع العالمی لاهل البيت (ع) ۱۴۱۶ ق.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- رهبر، بیانات معظم، در نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰ ش.
- رهبر، بیانات معظم، در نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰ ش.
- رهبری، بیانات مقام معظم، کیهان، ۶۰/۳/۲۲.
- رهبری، بیانات مقام معظم، کیهان، ۷۳/۱۰/۲۸.
- رهبری، بیانات مقام معظم، در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۲۰ شهریور ۱۳۶۸ ش.
- رهبری، بیانات مقام معظم، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث، اول بهمن ۱۳۷۱ ش.
- رهبری، بیانات مقام معظم، در خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۳ آبان ۱۳۸۲ ش.
- رهبری، بیانات مقام معظم، در دیدار اعضای هیأت دولت، ۵ شهریور ۱۳۸۲ ش.
- رهبری، بیانات مقام معظم، در دیدار اقشار گوناگون مردم، به مناسبت نیمه شعبان، ۲۹ شهریور، ۱۳۸۴ ش.

رهبری، بیانات مقام معظم، درکيهان، ۱۳۷۴/۱۰/۸ ش.

ری شهری، میزان الحکمة، دارالحديث، قم: طبع اول، ۱۴۱۷ق.

ری شهری، محمدی، محمد، دانشنامه امام مهدی «عج» بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ مترجم، مسعودی، عبدالهادی ناشر: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم: چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.

شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار نجف: مطبعة حيدرية، بی تا.

شیرازی مکارم، ناصر وهم کاران، تفسیر نمونه، تهران: دار کتب اسلامی، چاپ سی سوم، ۱۳۸۷ ش.

شیرازی مکارم، ناصر، الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب (ع) چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

شیرازی، مکارم، حکومت جهانی مهدی (عج) ناشر: نسل جوان: قم: چاپ پنجم: ۱۳۸۶ ش.

شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع) قم: چاپ اول، ۱۴۲۷ق.

صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، مؤسسه السیده المعصومه، قم: ۱۴۲۱ق.

الصبان، محمد بن علي، سيرة المصطفى و آل بيته، الناشر: المكتبة الأزهرية للتراث - القاهرة، ۲۰۰۶ میلادی.

طبا طبایی، عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی، ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) بی تا.

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۱ق.

طوسی، محمد بن حسن، **خلاف**، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي قم: چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن معروف به شیخ الطائفة، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية، نوبت چاپ چهارم ۱۳۶۴.

العطاردی، الشیخ عزیز الله، **مسند الإمام الباقر**، ابی جعفر محمد بن علی (ع) بی تا. فیومی، أحمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير**، قاهره: دار المعارف (الطبعة الثانية) ۱۳۹۷ ش.

قرائتی محسن، **تفسیر نور**، تهران: ناشر: مرکز فرهنگی، درس های از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، **کمال الدین و تمام النعمه**، نشر: طهران: دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ ش.

قمی، ابن بابوی ابی جعفر محمد، بن علی بن الحسین، شیخ صدوق، **الخصال**، تهران: اندیشه هادی، ۱۳۸۵ ش.

قمی، ابن بابوی ابی جعفر محمد، بن علی بن الحسین، شیخ صدوق، **علل الشرايع**، نجف: مکتب الحیدریه، بی تا.

کاشانی، الفیض، العلامة الشیخ محمد محسن، **تفسیر الصّافي**، بیروت، مؤسسه الأعلمی، بی تا.

الکورانى العاملى، الشیخ علی، **معجم أحاديث الإمام المهدي**، بی تا.

متقى هندی، علا الدین، **کنز العمال**، مؤسسة الرسالة، بیروت، بی تا.

مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، لبنان، مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.

مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، لبنان، مؤسسة الوفا، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

مرعشی، قاضی نور الله، **إحقاق الحق وإزهاق الباطل**، مکتبة آية الله المرعشي النجفي قم: چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

- مطهری بیدگلی، محسن، نقش عدالت اجتماعی، در پیشگیری از جرم، قم: نور السجاد، ۱۳۸۸ ش.
- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، صدرا، ۱۳۶۲ ش.
- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، صدرا، ۱۳۸۰ ش.
- مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ ۱۷، ۱۳۸۰ ش.
- موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
- نراقی، مهدی، جامع السعادات، چاپ دوم، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۳ ق.
- النعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه للنعمانی، تهران: صدوق، چاپ اول، سال چاپ: ۱۳۹۷ ق.

